

خبر

قاضی مسعودی‌مقام:

سبحانی در پرونده پتروشیمی متهم نیست

● قاضی مسعودی‌مقام در گفت‌وگو با دانشجو، با اشاره به شایعاتی در پرونده پتروشیمی مبنی بر تحت فشار قرارگرفتن دادگاه برای انحراف در روند پرونده گفت: سبحانی در پرونده پتروشیمی متهم نیست اما به‌همراه افرادی دیگر در تحقیقات‌ مقدماتی در مظان اتهام بوده است و پرونده اتهام این افراد همچنان در دادسرا مفتوح است و دادگاه نیز جهت تکمیل سریع‌تر تحقیقات پرونده تذکرات لازم را داده است اما تاکنون درباره موضوعات مفتوح نظری اظهار نشده است. او ادامه داد: به دلیل عدم اظهارنظر دادسرا درباره اتهامات مفتوح در پرونده پتروشیمی، دادگاه خود تحقیقات لازم را انجام داده است و در حال تکمیل تحقیقات لازم درباره متهمین پرونده که اتهامشان در دادگاه مطرح است، هستیم که البته این تحقیقات به نقاط پایانی خود رسیده است اما متأسفانه تاکنون در رابطه با چند نفر از متهمین اصلی پرونده، شعبه مربوطه تصمیمی اتخاذ نکرده است.رئیس شعبه سوم دادگاه ویژه جرائم اقتصادی درباره آخرین وضعیت رسیدگی به اتهامات مرجان شیخ‌الاسلامی گفت: متهمه مرجان شیخ الاسلامی همچنان متواری است و در کشور کانادا به سر می‌برد. وکلای ایشان مدارک و مستندات تسلیم دادگاه کرده‌اند که در حال بررسی مدارک هستیم.او افزود: درباره حضور متهمه در دادگاه، هیچ اطلاعی نداشته‌اند و حتی با وجود اعلام ارائه مستقیم لوایح، این اتفاق صورت نگرفته و متهمه لوایح را نیز مستقیم ارائه نکرده‌اند.قاضی رسیدگی به پرونده فساد در پتروشیمی و فساد در بانک سرمایه گفت: دادگاه رسیدگی لازم را انجام خواهد داد و طبق مقررات رأی مقتضی را صادر خواهد کرد. تا میانه مهرماه منتظر تکمیل تحقیقات دادسرا، تنظیم و ارسال کفرخواست هستیم، در غیر این صورت در رابطه با سایر متهمینی که بازداشت کرده‌ایم، تصمیم لازم را اتخاذ خواهیم کرد.

ادامه از صفحه اول

تابعیت مادرانه

نمی‌توان و نباید به بهانه یک آسیب اجتماعی، آسیب اجتماعی دیگری را کتمان یا با علاج آن مقابله کرد. تنها راه اینکه بتوانیم آسیب‌های مرتبط این دو حوزه را به‌صورت جدی کاهش دهیم، تصویب توافمان لایحه اعطای تابعیت و طرح افزایش حداقل سن ازدواج است. مجلس دهم، اولی را به سرانجام رساند. طرح افزایش حداقل سن ازدواج نیز اگر در همین دوره تعیین تکلیف نشود، در مجلس یازدهم تصویب خواهد شد و از این به بعد شاهد یک تجربه موفق قانون‌گذاری در بحث کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از فقر و به‌ویژه در مناطق محروم خواهیم بود. در نهایت گروه دیگری بودند که این لایحه را ناکافی و حداقلی می‌دانستند و خواستار برابری کامل زنان و مردان در این زمینه بودند. تصور می‌کنم این دسته از منتقدان اگر در جایگاه کنشگر یا تصمیم‌گیر قرار بگیرند، بهتر از قبل شرایط را درک خواهند کرد که چرا پیگیری چنین مطالبه‌ای در وضعیت کنونی، تقریبا محال است. سیاست به دور از محافظه‌کاری و مصلحت‌اندیشی، این هنر را به ما می‌آموزد که روند تغییرات اجتماعی و برآورده‌سازی مطالبات، نیازمند پرسه‌های حساس است که نه باید مانند ورود زنان به ورزشگاه در تحقق آن تعلل ورزید و نه مانند مشارکت زنان در ساختن کلان مدیریتی این اندازه در آن اهمال به خرج داد. تشخیصی زمان درست ایجاد و پیگیری و سپس تحقق این تغییرات و مطالبات، شاید مهم‌ترین کار یک سیاست‌مدار مدبر یا قانون‌گذار باشد. امیدوارم روزی برسد که مجالی برای طرح و پیگیری این خواسته‌ها نیز فراهم شود.

جنگ اقتصادی علیه ایران

روا‌هکار مقابله

مشکل دیگر، تلاش برخی کشورهای عربی برای جایگزین‌شدن نفت ایران است. قانون عرضه و تقاضا می‌گوید کاهش نفت ایران باعث کاهش عرضه و افزایش قیمت خواهد شد و اگر شرایط بازار به همین شکل پیش برود، این افزایش قیمت تا حدی رخ خواهد داد. اعراب به فکر کسب سود بیشتر از فروش نفت هستند و هر کشوری به منافع ملی خود می‌اندیشد و آن را در اولویت قرار می‌دهد، پس افزایش تولید نفت عراق و عربستان و حتی روسیه، امری طبیعی است و در اینجا، اصل منافع بر سایر اصول اولویت دارد. برجام می‌توانست فضای داد و ستد اقتصادی ایران با جهان را بهبود ببخشد؛ اما لابی اسرائیل و عربستان حتما برای کسب منافع اقتصادی بیشتر، یکی از عوامل خروج آمریکا از برجام هستند. کاهش درآمدهای نفتی ایران، سبب شده دلار کمتری وارد اقتصاد کشور شود. افزایش تولید نیازمند خرید ماشین‌آلات از اروپا و سایر کشورهاست و حتی برای سازندگی در داخل، واردات قطعات و مواد اولیه، اجتناب‌ناپذیر است. وقتی توان کشور برای واردات کاسب منافع سرمایه‌ای افت کند، رشد اقتصادی کاهش خواهد یافت. قوای کشور می‌توانند با برنامه‌ریزی دقیق برای افزایش بهره‌وری، کاهش فساد و تخصیص بهینه منابع اقدام کنند. تشکیل اتاق فکر، ایجاد انسجام و استفاده از نظرات چهره‌های اقتصادی می‌تواند باوزی مشورتی نهادهای کشور در شرایط موجود باشد.

شرق: قرار است تا دو هفته آینده، شش پالایشگاهی که سهام باقی‌مانده دولت در آنها ۲۰ درصد بود، به‌صورت کامل به بخش خصوصی واگذار شود؛ خبری که بین کارشناسان دیدگاه‌های مختلفی درباره‌اش وجود دارد و برخی معتقدند اگر بناسست که ۲۰ درصد باقی‌مانده به‌صورت بلوکی واگذار شود، همان بهتر که در دست دولت باقی بماند. وزیر امور اقتصادی و دارایی در حاشیه جلسه دیروز هیئت دولت از واگذاری این شش پالایشگاه به روش جدید خبر داده و گفته است: با بررسی‌ها و مطالعاتی که داشتیم، توانستیم موارد قابل واگذاری را به هیئت واگذاری ارائه کنیم که این هیئت نیز با شکل پیشنهادی وزارت اقتصاد موافقت کرد یعنی ما در دوره جدید واگذاری‌ها هم در روش قیمت‌گذاری و هم در روش واگذاری تغییراتی را خواهیم داشت. فرهاد دژپسند ادامه داد: سهام شش پالایشگاه یادشده را که اتفاقا از شرایط خوبی هم برخوردارند، به‌صورت واحد به واحد واگذار می‌کنیم تا همه مردم حتی آنها که پس‌اندازهای خُرد دارند، در این واگذاری‌ها شرکت و سهام را خریداری کنند. این‌گونه واگذاری‌ها هم دولت را کوچک و هم توده مردم را برای خرید بسیج می‌کند که به نوعی تحقق اقتصاد تغییر موضع سازمان خصوصی‌سازی را در اشتباهات فاحش در واگذاری‌های قبلی نشان می‌دهد. به‌تعویق‌افتادن این واگذاری‌ها از مردادماه به دو هفته آتی (اواسط مهرماه) نیز نشان از عقب‌نشینی و نگرانی از واگذاری‌های سابق داشت که به شکلی دیگر عنوان شده بود. پیش‌تر به گفته جعفر سبحانی، مشاور رئیس سازمان خصوصی‌سازی در زمینه واگذاری سهام دولتی ششش شرکت پالایشی گفته بود: «شش شرکت پالایشگاهی که سهم دولت در هر کدام ۲۰ درصد تعیین شده است، با توجه به ارزش‌گذاری و تعیین قیمت پایه این شرکت‌ها زمان عرضه آن به بورس و فرابورس مشخص شد». با این حال، با توجه به استقبال‌نکردن بخش خصوصی از سهام عرضه‌شده، هنوز هم این سهام به فروش نرسیده است.

خصوصی‌سازی در خصوصی‌سازی

حمید حسینی، فعال حوزه نفت و پتروشیمی، در گفت‌وگو با «شرق»، درباره واگذاری شش پالایشگاه

می‌گوید: این پالایشگاه‌ها عملا پیش‌تر واگذار شده‌اند و مدیریت آنها از هم پاشیده است. مجموع پالایشگاه‌های کشور دیگر مدیریت یکپارچه ندارند و واگذاری‌ها شرکت و سهام را خریداری نمی‌کنند. این‌گونه واگذاری‌ها هم دولت را کوچک و هم توده مردم را برای خرید بسیج می‌کند که به نوعی تحقق اقتصاد تغییر موضع سازمان خصوصی‌سازی را در اشتباهات فاحش در واگذاری‌های قبلی نشان می‌دهد.

به‌تعویق‌افتادن این واگذاری‌ها از مردادماه به دو هفته آتی (اواسط مهرماه) نیز نشان از عقب‌نشینی و نگرانی از واگذاری‌های سابق داشت که به شکلی دیگر عنوان شده بود. پیش‌تر به گفته جعفر سبحانی، مشاور رئیس سازمان خصوصی‌سازی در زمینه واگذاری سهام دولتی ششش شرکت پالایشی گفته بود: «شش شرکت پالایشگاهی که سهم دولت در هر کدام ۲۰ درصد تعیین شده است، با توجه به ارزش‌گذاری و تعیین قیمت پایه این شرکت‌ها زمان عرضه آن به بورس و فرابورس مشخص شد». با این حال، با توجه به استقبال‌نکردن بخش خصوصی از سهام عرضه‌شده، هنوز هم این سهام به فروش نرسیده است.

سخت‌گویی اتحادیه صادرکنندگان نفت، گاز و پتروشیمی در ادامه می‌افزاید: اگر این سهام به‌صورت خُرد و در قالب سهام عدالت واگذار شود، می‌تواند اقدام خوبی در زمینه خصوصی‌سازی باشد و می‌تواند اکثریت سهام را از دست دولت درآورد و شیوه مدیریت آن را اصلاح کند، اما اگر به شیوه سابق رخ دهد، هیچ تفاوتی با مدیریت نابسامان کنونی در عرصه پالایشگاهی نخواهد داشت.

او می‌گوید: در حال حاضر همه مدیران پالایشگاه‌ها همان مدیران سابق هستند. در واقع مالکیت تفویض شده، اما مدیریت کماکان در دست دولت و شرکت‌های دولتی است. اکنون دولت ۴۰ درصد سهام عدالت و ۲۰ درصد سهام را به‌صورت مستقیم در دست دارد و به نوعی اکثریت سهام را

واگذاری ۶ پالایشگاه در بورس تا ۲ هفته آینده انجام می‌شود

پالایشگاه‌فروشی برای تسویه بدهی بانکی



می‌گوید: این پالایشگاه‌ها عملا پیش‌تر واگذار شده‌اند و مدیریت آنها از هم پاشیده است. مجموع پالایشگاه‌های کشور دیگر مدیریت یکپارچه ندارند و واگذاری‌ها شرکت و سهام را خریداری نمی‌کنند. این‌گونه واگذاری‌ها هم دولت را کوچک و هم توده مردم را برای خرید بسیج می‌کند که به نوعی تحقق اقتصاد تغییر موضع سازمان خصوصی‌سازی را در اشتباهات فاحش در واگذاری‌های قبلی نشان می‌دهد.

به‌صورت بلوکی باز هم پای خصوصی‌ها را به میان می‌آورد، ادامه می‌دهد: واگذاری ۲۰ درصد سهام دولت به‌صورت بلوکی فقط به دست بخش‌های خاص مانند صندوق بازنشستگی کشوری، شستا و دیگر بخش‌ها می‌رسد که نمی‌توانند نمونه درستی از واگذاری باشد.

سخت‌گویی اتحادیه صادرکنندگان نفت، گاز و پتروشیمی در ادامه می‌افزاید: اگر این سهام به‌صورت خُرد و در قالب سهام عدالت واگذار شود، می‌تواند اقدام خوبی در زمینه خصوصی‌سازی باشد و می‌تواند اکثریت سهام را از دست دولت درآورد و شیوه مدیریت آن را اصلاح کند، اما اگر به شیوه سابق رخ دهد، هیچ تفاوتی با مدیریت نابسامان کنونی در عرصه پالایشگاهی نخواهد داشت. او می‌گوید: در حال حاضر همه مدیران پالایشگاه‌ها همان مدیران سابق هستند. در واقع مالکیت تفویض شده، اما مدیریت کماکان در دست دولت و شرکت‌های دولتی است. اکنون دولت ۴۰ درصد سهام عدالت و ۲۰ درصد سهام را به‌صورت مستقیم در دست دارد و به نوعی اکثریت سهام را



باجود تشدید تحریم‌ها در سال ۹۷ اتفاق افتاد

رشد ۵برابری تعاملات ایران –آمریکا



حقیقت نقش بازرگانی را ایفا می‌کنند؛ یعنی از کشورهای صادرکننده خرید می‌کنند و آن کالاها را به کشورهای واردکننده می‌فروشند. در یک بازه کوتاه زمانی سه علت تنش‌های میان چین و آمریکا، چین خرید کالاهای اساسی خود را از آمریکا قطع کرده و تمرکز خود را روی بازار آمریکای جنوبی گذاشت که این امر موجب شد قیمت کالاهای اساسی ازجمله سویا و... در آن کشورها بالا برود؛ بنابراین غالبا شرکت‌هایی که کارشان تجارت بین کشورها بود، سعی کردند کالاها را از آمریکا بخرند؛ درنتیجه در کوتاهمدت ثرت و دانه سویا از آمریکا به ایران وارد شد. او تأکید می‌کند که اکنون وضع فرق کرده و حالا دیگر این شرکت‌ها به تبع تحریم با ایران کار نمی‌کنند. دبیر انجمن غذایی می‌افزاید: اگرچه سال گذشته هم با تحریم مواجه بودیم؛ اما تحریم مرحله‌به‌مرحله گسترده‌تر شد و اکنون به جایی رسیده که این شرکت‌ها دیگر با ایران کار نمی‌کنند؛ درحالی‌که آن زمان وضع متفاوت بود. همان‌طور که گفتیم، سال گذشته ارزان‌شدن کالاهای اساسی در آمریکا شرکت‌های بازرگانی بین‌المللی را بر آن داشت که کالای خود را از آمریکا بخرند؛ این اختلاف قیمت درباره کالاهایی مثل دانه سویا با ذرت به ۱۰ تا ۱۵ درصد می‌رسید.

خطر در کمین امنیت غذایی ایران

مسئله دیگری که در گزارش بازاری پژوهشی مجلس به آن اشاره شده است، بحث به‌خطرافتادن امنیت غذایی کشور است. اینکه در سال ۱۳۹۷ واردات کالاهای اساسی خوراکی، حجم درخور توجهی از واردات ایران از مبدأ آمریکا را از خود حصارمندی داده است، از یک طرف نشان‌دهنده بی‌توجهی به سیاست‌های ستیزه‌جویانه آمریکا علیه ایران است و از طرف دیگر چون شامل کالاهای اساسی و خوراکی است، باعث به‌خطرانداختن امنیت غذایی کشور می‌شود. ازاین‌رو در این گزارش با تأکید گوشزد شده است که واردات کالا و خدمات از آمریکا حتی در صورت پایین‌تربودن قیمت تمام‌شده نسبت به واردات از سایر کشورها، به‌هیچ‌وجه منطقی نیست. لازم به ذکر است در مقام طرح ایده: دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است راه‌ها اقدام به تهیه فهرست کلیه کالاها و خدمات وارداتی مستقیم و غیرمستقیم از ایالات متحده آمریکا کرده و طبق زمان‌بندی مشخص اقدام به حذف و جایگزینی این اقلام و خدمات از راه‌های جایگزین کند. در این راستا مسئله خطر امنیت غذایی را با کاوه زرگر در میان می‌گذارم و او دراین‌باره می‌گوید: همواره غذا و دارو از تحریم‌های بین‌المللی مستثنا بوده و هست؛ همان‌طور که درحال‌حاضر هم با وجود شدیدترین تحریم‌ها هنوز غذا وارد کشور می‌شود و از این

اقتصاد

واگذاری ۶ پالایشگاه در بورس تا ۲ هفته آینده انجام می‌شود

پالایشگاه‌فروشی برای تسویه بدهی بانکی

خود اقدام کند.

او علت واگذاری به شکل بلوکی را این‌گونه بیان می‌کند: پالایشگاه‌ها نگران هستند اگر سهام به‌صورت خرد واگذار شود، سهام تا حدود ۳۰ درصد زیر قیمت فروخته شود، به همین علت راغب هستند سهام آنها به شکل بلوکی واگذار شود و این اقدام هم چندان از منظر اقتصادی، مشکلی را در کشور برطرف نمی‌کند و تغییر مالکیت از یک شرکت دولتی به شرکت دولتی دیگر خواهد بود. این در حالی است که مشکل پالایشگاه‌ها اکنون در کشور، مشکل مالکیت نیست، بلکه مشکل مدیریت آنها و همین‌طور روابط وزارت نفت با پالایشگاه‌هاست که چندان شفاف نیست.

به گفته او، نبود یک نظام رگولاتوری، مشکلی از کشور حل نمی‌کند. در حال حاضر کسی به نام رگولاتور در نظام مقررات کشور نداریم و به همین دلیل همه چیز به این برمی‌گردد که شرکت ملی نفت چگونه روابط خود را با این پالایشگاه‌ها تنظیم کند. همه اینها ممکن است یک پالایشگاه را سودآور یا زیان‌ده کند.

دولت بدهی‌هایش را تسویه می‌کند؟

او با بیان اینکه دولت باید از تصدی‌گری فاصله بگیرد، می‌افزاید: دولت اکنون به نظام بانکی به‌هکار است، به همین دلیل هم به دنبال واگذاری سهام‌های خود است و هیچ منع قانونی نیز برای واگذاری سهم دولت، وجود ندارد. بنابراین بهترین کار آن است که دولت ۲۰ درصد باقی‌مانده را واگذار کند و به جای سهام‌داری و مدیریت، بیاమوزد که چگونه می‌تواند نظارت و راهبری کند.

به گزارش «شرق»، شش شرکت پالایشگاهی ازجمله پالایش نفت لاوان، پالایش نفت شیراز، پالایش نفت اصفهان، پالایش نفت تهران، پالایش نفت بندرعباس و پالایش نفت تبریز هستند. دولت در این شرکت‌ها ۲۰ درصد سهم دارد که همه این سهم باید واگذار شود.پالایش نفت شیراز ۷۳۰ میلیارد تومان و پالایش نفت لاوان حدود ۶۶۰ میلیارد تومان در فرابورس به مزایده گذاشته شد. قیمت پایه پالایش نفت اصفهان نیز چهارهزارو ۸۰۰ میلیارد تومان، پالایش نفت بندرعباس چهارهزارو ۷۰۰ میلیارد تومان، پالایش نفت تهران چهار هزار میلیارد تومان و پالایش نفت تبریز دو هزار میلیارد تومان تعیین شده بود، اما هیچ‌یک تاکنون به فروش نرفته‌اند.

حیث با مشکلی مواجه نیستیم. ضمن اینکه کشورهای تأمین‌کننده ما ازجمله روسیه که به‌عنوان واسطه کار می‌کنند، می‌توانند تأمین‌کننده خوبی برای ما باشند. ضمنا باید در نظر داشت که درحال‌حاضر ذخایر استراتژیک کشور هم ذخایر مناسبی است.

۲سانایروبرای قانون‌گذاری

در ادامه گزارش مرکز پژوهش‌ها دو گزینه در راستای مقررات‌گذاری درخصوص واردات از ایالات متحده آمریکا مطرح می‌شود. گزینه اول این است که ممنوعیت قانونی مصرح درباره واردات کالا از آمریکا ایجاد شود؛ یعنی در قالب یک ماده واحد واردات هرگونه کالا از ایالات متحده آمریکا از طریق گمرکات، بازارچه‌های مرزی و مناطق آزاد ممنوع شود. درباره این گزینه واضح است که ارائه حکم کلی برای ممنوعیت ورود کلیه کالاهای آمریکایی مشکلاتی ایجاد می‌کند؛ چراکه برخی از کالاهای وارداتی از آمریکا، مانند تجهیزات پزشکی و داروهای خاص، منحصرا توسط آمریکا تولید می‌شوند و مورد استفاده بیماران قرار می‌گیرند. در کنار این، بعضی تجهیزات با کالاهای مورد استفاده با فناوری بالا در کشاورزی یا لوازم بدی وجود دارد که تولید آن در انحصار آمریکاست و ما به واردات آن نیاز داریم. مشکل دیگر این گزینه، این است که بسیاری از تجهیزات و کالاهای وارداتی به ایران که از مبدایی غیر از آمریکا وارد می‌شوند، سطحی از وابستگی به اقتصاد با صنعت آمریکا دارند و اگر واردات غیرمستقیم از ایران منع شود، در واقع واردات تجهیزات مشتمل بر قطعات و مواد اولیه آمریکایی هم منع شده است که این موضوع می‌تواند روابط اقتصادی ما را خدشه‌دار و محدودیت‌هایی خودساخته در تأمین تجهیزات مورد نیاز صنایع ایجاد کند. بر این اساس، در این گزارش پیشنهاد شده است که واردات «مستقیم» کالا و تجهیزات از آمریکا و همچنین واردات کالاها و تجهیزات از مبدأ آمریکا مشمول منع قانونی شود.گونه دوم پیشنهادی برای مقررات‌گذاری این است که به دولت اجازه داده یا مکلف شود محدودیت‌هایی غیرتجرفه‌ای برای واردات از ایالات متحده اعمال کند و در اعمال این محدودیت‌ها نیز روی شرکت‌های خاص یا کشورها یا شرکت‌هایی که به نحو مؤثری در اعمال تحریم علیه ایران با آمریکا همکاری می‌کنند، تأکید کند. مزیتی که برای این گزینه وجود دارد، این است که دولت می‌تواند متناسب با شرایط تصمیم‌گیری کند. البته کارشناسان پیشنهاد کردند در صورت انتخاب این گزینه لازم است مجازات متخلفان حتما در متن قانون ذکر شود. دبیر انجمن غذایی درباره این دو گزینه برای قانون‌گذاری این‌گونه اظهارنظر می‌کند: هرچه ما در تحریم‌ها پیش می‌رویم، شرکت‌های بین‌المللی که حاضر به همکاری با ایران هستند، به مرور محدود و محدودتر می‌شوند؛ بنابراین در این شرایط اگر ما هم در اینجا شرط تعیین کنیم، تعداد تأمین‌کننده‌ها در وضع مناسبی باقی نمی‌ماند. در نتیجه فکر می‌کنم مشهود است که میل و رغبت واردات و عدم تبادل کالا از طرف آمریکا بیشتر است؛ اگر این‌طور نبود، تحریم‌ها هر روز تشدید نمی‌شد. حالا اینکه در این وضع ما تصمیم بگیریم خودمان هم دست به چنین اقدامات و قوانینی بزنیم، تصمیم ما بستگی دارد به وابستگی آن کشور به تجارت با ما. درباره تجارت‌مان هم باید بگویم به‌طور کلی تجارت ما در هیچ کشوری در دنیا آن‌قدر مؤثر نیست که بتوانیم تعیین تکلیف کنیم. در نتیجه من فکر می‌کنم در شرایط فعلی ما باید بیشتر سعی کنیم بوروکراسی‌های دولتی کشور خودمان را محدود کنیم.

دعک

حذف یارانه پردرآمدها ضرورت است نه یک راهکار جایگزین

میلاد زمان

کارشناس ارشد اقتصاد توسعه

● با شروع اجرای طرح حذف یارانه اقشار پردرآمد، مخالفان اجرای این طرح انتقادات مختلفی را بیان کردند. اساسا نقد یک سیاست و اجرای آن لازمه به‌بارنشستن آن سیاست است، اما عمده استدالات مخالفان پاسخ واضح و مشخصی دارد. یکی از این استدالات امکان تأمین منابع درآمدی (کسری بودجه) از روش‌های جایگزین حذف یارانه‌ها نظیر تقویت سیستم مالیات‌ستانی، ساماندهی به یارانه پنهان و صرفه‌جویی در سایر فصل‌های هزینه‌ای است.هر سه این روش‌های جایگزین پیشنهادی به‌طور مشخص به انضباط مالی دولت در دو بخش منابع و مصارف بودجه‌ای اشاره دارد. هیچ شکی نیست که انضباط مالی دولت از اصول اساسی حکمرانی است، اما ذکر چند نکته در اینجا ضروری است. در کشورهای توسعه‌یافته با یک سیستم مالیاتی پیشرفته، امکان وضع مالیات بر مجموع درآمد خانوارها یا افراد وجود دارد که بر این اساس مشخص می‌شود از یک خانوار باید چه میزان مالیات گرفت یا باید به آن خانوار، انواعی از یارانه‌های نقدی یا غیرنقدی پرداخت شود. در غیاب چنین سیستم مالیاتی‌ای در کشور ما در شرایط فعلی با موارد متعددی از افراد و خانوارهای پردرآمد و ثروتمندانی روبه‌رو هستیم که هم از آنها مالیات گرفته می‌شود و هم به آنها یارانه نقدی پرداخت می‌شود! اساسا این یک موقعیت پارادوکسیکال در اجرای سیاست‌های مالیاتی و حمایتی در کشور است. برای حل این پارادوکس نیاز است هم نظام مالیات‌ستانی در جهت اخذ مالیات بر مجموع درآمد افراد یا خانوارها تقویت و دقیق شود و هم یارانه پردرآمدها حذف شود. در همین راستا اخیرا با صدور بخش‌نامه بودجه سال ۹۹ و توضیحات رئیس سازمان برنامه‌ویودجه عنوان شده است که یکی از محورهای اساسی بودجه سال ۹۹ تقویت نظام مالیاتی با شناسایی پایه‌های مالیاتی جدید مانند مالیات بر عایدی، سرمایه‌ای است. همچنین تلاش‌های صورت‌گرفته در نیمه اول سال ۹۸ برای نصب دستگاه کارت‌خوان برای پزشکان (۱۵ صنف دیگر در مراحل بعدی) یا قانونی‌مانند بدخ تبصره ۱۶ قانون بودجه ۹۸ که ارسال گزارش ماهانه حساب‌های بانکی مؤدیان مالیاتی به سازمان امور مالیاتی کشور را الزامی می‌کند، نشان‌دهنده حرکت مهم‌مان کشور در جهت هر دو سیاست اصلاحی برای تقویت نظام مالیاتی و حذف یارانه پردرآمدهاست.یکی از مسائل اساسی نظام یارانه‌ای فعلی ضعف آن در بحث عدالت اجتماعی است. مبنای مطرح‌شدن موضوع ساماندهی به یارانه پنهان توسط گروهی از کارشناسان نیز همین موضوع است. به‌علاوه این گروه معتقدند دولت با حذف یارانه پنهان انرژی و تخصیص سهمیه قابل فروش از سبد انرژی به همه شهروندان بسیار بیش از حذف یارانه نقدی غیرنیزایمن‌دان می‌تواند از بار هزینه‌های خود بکاهد. اما باید توجه داشت که پرداخت یارانه نقدی درحال‌حاضر درواقع همان اصلاح یارانه‌های پنهان در سال ۸۹ است که به دلیل اجرای نادرست در وضعیت فعلی قرار گرفته. اگر بناسست اصلاح یارانه‌های پنهان به دلیل حجم ریالی بیشتری که آزاد می‌کند در اولویت باشد، باید توجه کرد که سرنوشت اصلاح یارانه‌های پنهان در دور قبل به سرنوشت همدفندسازی یارانه‌ها دچار نشود و نیز با توجه به شرایط حال‌حاضر اقتصاد کشور نظیر میزان تورم و وجود تحریم‌ها اجرای نقدی‌سازی یارانه‌های پنهان که نیازمند بستر اقتصادی-سیاسی بنائات و کم‌تنش است در کوتاهمدت ممکن نیست. اما در کوتاهمدت دولت نیاز مبرمی به کاهش هزینه‌های غیرضرور خود از جمله یارانه‌های پرداختی به اقشار غیرنیزایمند دارد.صرفه‌جویی در سایر فصل‌های هزینه‌ای دولت به‌عنوان راهکار جایگزین پیشنهادی امری انکارناپذیر است. درواقع صرفه‌جویی در فصل‌های هزینه‌ای یک بحث جامع است که حوزه‌های متعددی را در بر می‌گیرد؛ به‌عنوان‌مثال در طبقه‌بندی اقتصادی هزینه‌های دولت برحسب فصول هزینه، فصل‌هایی مانند جبران خدمت کارکنان، هزینه‌های اموال و دارایی، یارانه و کمک‌های بلاعوض وجود دارد؛ مثلا در فصل جبران خدمات کارکنان می‌توان از طریق سامانه حقوق و دستمزد مقامات دولتی نظارت مستمر بر پرداخت‌ها صورت داد تا نظام پرداخت‌ها ساختارمند شود. از طرف دیگر طبق بخش‌نامه بودجه سال ۹۹ قرار است دیف‌های بودجه‌ای غیرضرور، ناکارا و هزینه‌های زائد توسط کمیته‌های تخصصی بازبینی هزینه‌ها در سازمان برنامه‌ویودجه حذف شوند. تمام این نکات ذکرشده نشان می‌دهد که بحث صرفه‌جویی در هزینه‌ها یک موضوع کلان و چندوجهی است. پروضاح است که حذف یارانه نقدی اقشار پردرآمد به‌عنوان یک بار هزینه‌ای اضافی بر دوش دولت در راستای همین صرفه‌جویی هزینه‌های دولتی است، چراکه پرداخت بلاعوض به ثروتمندان و اقشار پردرآمد امری غیرمعمول و غیرموجه است. به گفته سخنگوی ستاد تبصره ۱۴ (حذف یارانه‌ها) از محل حذف یارانه نقدی پردرآمدها صرفه‌جویی بالغ بر هفت هزار میلیارد تومان در هزینه‌های دولت صورت می‌گیرد. پس اساسا حذف یارانه اقشار پردرآمد یکی از سیاست‌های اصلاحی کاهش هزینه‌هاست که خود ذیل فصل‌های هزینه‌ای وجود دارد و پرداختن به آن دقیقا در راستای صرفه‌جویی در فصل‌های هزینه‌ای است. در شرایط فعلی این صرفه‌جویی به دولت کمک مناسبی می‌کند کم‌انگیزه صرفه‌جویی در دیگر فصل‌ها نیز در دستور کار دولت قرار دارد.